

ارائه چارچوب مفهومی احراز مسئولیت بین‌المللی اعمال منع نشده در حقوق مخاصات با بررسی موضوعی جنگ دریایی

سعید دهدشتی اردکانی^۱

چکیده

احراز مسئولیت در مشخصات بین‌المللی و داخلی، همواره با موانعی روبرو بوده است. در این مشخصات با فعل و ترک فعل‌هایی روبرو می‌باشیم که از منظر حقوق بین‌الملل منع نشده‌اند و ماهیت اقدام تخطی‌آمیز ندارند. اما صرف ارتکاب آنها، موجبات تحمیل خسارت‌های گسترده به طرف‌های خصمه و حتی طرف‌های ثالث می‌گردد. سوالی که در اینجا قابل طرح می‌باشد، چرایی عدم توجه و اقبال دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به این مهم می‌باشد. صلح و امنیت پایدار بین‌المللی، همواره تحت تأثیر مشخصات داخلی و بین‌المللی، بوده است. عدم تعریف همه‌جانبه مسئولیت در مشخصات داخلی و بین‌المللی، معادلات صلح جهانی را با متغیرهای مبهمی روبرو می‌نماید. احراز مسئولیت در اعمال منع نشده بین‌المللی در حقوق مشخصات، با تعریف و شناسایی جنگ‌افزارهای جدید و برآورد دامنه تخریبی آن در حوزه‌های مختلف انسانی و زیست محیطی و نهایتاً تحدید بکارگیری آنها در قالب کنوانسیون‌ها و معاهدات لازم‌الاجرای بین‌المللی در حقوق مشخصات، امکانپذیر خواهد بود. در این راستا، بازبینی و اصلاح توافقنامه‌های لاهه، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، لازم و ضروری است. جنگ دریایی بعنوان فراگیرترین جنگ در گذشته و محتمل‌ترین آن در آینده، همواره با پیامدهای بین‌المللی همراه بوده است و موجبات مسئولیت بین‌المللی طرف‌های خصمه را فراهم نموده است. جنگی که با پیشرفت تکنولوژی و جنگ‌افزارهای دریایی، پیامدهای وسیع انسانی و زیست محیطی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: مشخصات مسلحانه بین‌المللی و داخلی، مسئولیت بین‌المللی، مصونیت

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد mohaghegh.ardekani@gmail.com

مقدمه

مقوله مسئولیت بین‌المللی تابعان حقوق بین‌الملل در برابر یکدیگر، همواره از مباحث و موضوعات کلیدی و ریشه‌دار در این حوزه بوده است. مسئولیت در حقوق بین‌الملل، در ابتدا جنبه حقوقی و جبرانی داشت. یعنی اینکه، با ورود خسارت، شخص حقیقی و حقوقی مرتکب می‌بایست جبران خسارت نماید. این نوع مسئولیت، نتوانست مانع ارتکاب جرایم خصوصی و عمومی بین‌المللی گردد. لذا ضرورت کیفری شدن آن، لازم گردید. با جرم‌انگاری جدید بین‌المللی، موضوع مسئولیت کیفری بین‌المللی مدنظر قرار گرفت. مسئولیت بین‌المللی از جمله عواملی است که در حقوق بین‌الملل جنبه و ماهیت بازندارندگی دارد و بعبارتی مانع نقض قواعد و اصول کلی حقوق بین‌الملل در حوزه‌های مختلف و علی‌الخصوص حقوق بشردوستانه و حقوق مخاصمات می‌گردد. اما سطوح کیفی و کمی بازندارندگی مسئولیت بین‌المللی در حوزه‌های مختلف، با هم متفاوت بوده است. این موضوع در حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق مخاصمات، در نازل‌ترین سطح بوده است. در این راستا، علل و عوامل مختلف فردی، دولتی، سازمانی (سازمان‌های بین‌المللی) و حتی اصول و قواعد نهادینه شده حقوق بین‌الملل، بعنوان متغیر مداخله‌گر، تأثیرگذار بوده‌اند. اصل مصونیت بین‌المللی تابعان حقوق بین‌الملل و برداشته‌های یکسویه و منطبق بر منافع دولت‌ها، افراد و سازمان‌های بین‌المللی، تعریف و احراز مسئولیت بین‌المللی را با موانع و چالش‌هایی (علی‌الخصوص در حوزه مخاصمات مسلحانه)، روبرو نموده است. ۶۸

علیهذا با همه این موانع و مقاومت‌های بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی در اعمال منع شده، توانست در نظام بین‌الملل و قواعد و اصول کلی حقوق بین‌الملل، جایگاهی برای خود پیدا کند. اما مسئولیت بین‌المللی در اعمال منع نشده، مسیر بین‌المللی پیچیده و پرچالشی داشته و خواهد داشت. لذا تابعان حقوق بین‌الملل (افراد، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی)، تمایلی به احراز و تعریف مدون و مستقل آن در نظام بین‌المللی نداشته و آن را مانعی در حیات سیاسی و حقوقی خود (علی‌الخصوص در حوزه‌هایی چون حقوق مخاصمات مسلحانه)، می‌دانند. لذا در این حوزه، یک اقدام هماهنگ، مدون و متمرکز حقوقی بین‌المللی صورت نگرفته است. بنابراین ضرورت دارد در این حوزه با تعیین و تبیین پیامدهای اقدامات منع نشده بین‌المللی و برآورد خسارات احتمالی در حوزه‌های مختلف (علی‌الخصوص مخاصمات)، بازتعریفی از مسئولیت بین‌المللی و نهادینه‌سازی و فراگیر نمودن مسئولیت بین‌المللی در اقدامات منع نشده، داشت و الزامات و مبانی آن را تعریف و تبیین کرد.

توجه به مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع نشده در حقوق مخاصمات بین‌المللی، سابقه چندانی ندارد. در واقع با شکل‌گیری موج جدیدی از مخاصمات داخلی و بین‌المللی بعد از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، این موضوع مدنظر قرار گرفت و کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل، در پیش‌نویس‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ خود، آن را تلویحاً و با اضافه نمودن یک قید "فرامرزی"، مدنظر قرار داد (ضیائی بیگدلی(ج)، ۱۳۹۶:

۳۸۸). اگرچه کمیسیون حقوق بین‌الملل بنا به توصیه مجمع عمومی سازمان ملل، پس از اتفاقاتی چون به گل نشستن نفت‌کش لیبریایی توری کانیون (۱۹۶۷)، سقوط فضاپیمای روسی کاسموس (۱۹۷۸) و انفجار نیروگاه اتمی چرنوبیل (۱۹۸۶) بحث بررسی مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع‌نشده را از سال ۱۹۷۸ آغاز کرد. اما عملاً از ۲۰۰۱ به بعد، پیش‌نویس‌های مربوطه را تصویب و نهایی نمود (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۳).

مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع‌نشده بین‌المللی، در چند حوزه از جمله حقوق بین‌المللی بشردوستانه، حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق مخاصمات (اعم از داخلی و بین‌المللی)، بیشترین نمود عینی را دارد. در این حوزه‌ها، عمدتاً اقدامات منع‌نشده بین‌المللی، پیامدهای داخلی و فرامرزی مختلفی بر تابعان حقوق بین‌المللی دارد که عمدتاً منجر به ورود خسارات (حتی غیرقابل جبران) می‌گردد. خساراتی که دامنه تخریب آنان در بعضی حوزه‌ها (محیط زیست و مخاصمات)، غیرقابل تصور می‌باشد. عدم توجه بین‌المللی ضمانت‌دار به این حوزه‌ها و نبود قوانین و الزامات حقوقی و کیفری مشخص و اجرایی، باعث تهدید مولفه‌ها و متغیرهای اصلی حقوق بین‌الملل در بستر تعامل و تقابل دولت‌ها، می‌شود.

در دهه‌های اخیر (علی‌الخصوص از سال ۲۰۰۱)، شاهد وقوع جنگ‌های داخلی و بین‌المللی بوده‌ایم که انجام اقدامات منع‌نشده (بکارگیری سلاح‌ها و تاکتیک‌های جنگی به اصطلاح متعارف، تغییر و تخریب محیط زیست دریایی، خشکی و هوایی، استفاده از سلاح‌های شیمیایی و ...)، منشاء شکل‌گیری خسارات انسانی و ۶۹ زیست محیطی غیرقابل جبرانی، بوده است. مصادیق عینی آن را می‌توان در جنگ عراق (۲۰۰۳ و ۲۰۱۵)، جنگ افغانستان (۲۰۰۱)، جنگ سوریه (۲۰۱۱ تاکنون)، جنگ یمن (۲۰۱۵)، جنگ لیبی (۲۰۱۱) و ... مشاهده کرد. علیرغم گزارشات ناظران سازمان ملل، سازمان عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و ... مبنی بر مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع‌نشده و حتی اقدامات منع‌نشده (نقض تعهدات بین‌المللی موجود در کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی) طرف‌های مخاصمه و کشورهای ثالث در جنگ‌های مذکور، هیچ اقدام مقتضی و الزام‌آوری در سطح بین‌المللی و توسط مراجع ذیربط، صورت نگرفت.

عدم جرم‌انگاری بین‌المللی جرایم جنگی جدید، عدم شمول قواعد بین‌المللی حاکم بر اقدامات جنگی منع‌نشده، الزام‌آور نبودن آراء کیفری و تصمیمات حقوقی مراجع بین‌المللی، عدم اقبال دولت‌ها، افراد و سازمان‌های بین‌المللی چون اصل مصونیت دولت‌ها و ...، از عوامل و علل اصلی عدم تحقق، تعریف و احراز مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع‌نشده در حقوق مخاصمات (جنگ‌های اخیر) می‌باشد. در این مقوله به دنبال بررسی، تعریف، تبیین، احراز، نهادینه‌سازی، ماهیت بخشی به مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع‌نشده

در حقوق مخاصمات و نهایتاً تعیین شیوه‌های جبران خسارات آن می‌باشیم. به نظر می‌رسد که مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع نشده، نتواند در بدو امر بصورت یک قاعده، اصل و الزام حقوق بین‌الملل نهادینه گردد و لازم است در ابتدا بصورت رویه دولت‌ها مورد توجه قرار گیرد. فرضیه پژوهش حاضر نیز این می‌باشد که دولت‌ها (طرف‌های مخاصمه) تمایلی به تعیین مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع نشده ندارند و آن را تحدید کننده قدرت دفاعی و آفندی خود در زمان جنگ می‌دانند. که در این پژوهش با نگاه توصیفی-تحلیلی مبتنی بر اصول و قواعد حقوق بین‌الملل در حوزه مخاصمات (کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتوکل‌های الحاقی اول و دوم ۱۹۷۷) و مطالعه اسناد و مدارک موجود و مرتبط در مورد جنگ‌های موجود در عراق، سوریه و یمن و بررسی دامنه و حجم تخریب انسانی و زیست محیطی تجهیزات و تاکتیک‌های متعارف بکار برده شده، به جمع‌بندی و نهایتاً احراز مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات انجام شده منع نشده، دست یافته‌ایم.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

مخاصمات مسلحانه بین‌المللی:^۱ اگر درگیری و مناقشه نظامی بین دو یا چند کشور صورت گیرد، مخاصمه ۷۰ مسلحانه بین‌المللی گویند. اگر یک سازمان بین‌المللی نیز علیه یک کشور وارد جنگ شود، این مخاصمه جنبه بین‌المللی خواهد داشت. مثلاً نیروهای حافظ صلح سازمان ملل علیه یک کشور ... این موضوع در پروتکل اول ۱۹۷۷ مدنظر قرار گرفته است (ضیایی بیگدلی (ج)، پیشین: ۵۱).

مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی:^۲ زمانیکه درگیری مسلحانه در درون خاک یک کشور و بین احزاب مخالف با هم و یا با دولت مرکزی، صورت گیرد، مخاصمه داخلی و غیر بین‌المللی خواهد بود. ماده ۳ مشترک کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و مکمل آن پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های ژنو در سال ۱۹۷۷ در مورد مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی هستند. تعریف مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی مطابق ماده ۳ مذکور بدین صورت است که چنین مخاصماتی ویژگی بین‌المللی ندارند و در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح حکومتی، گروه‌های مسلح غیر بین‌المللی مطابق با ماده ۱ پروتکل الحاقی شماره ۲ همراه با تحقق شرایطی است و گروه‌های مسلح مخالف بایستی این شرایط را دارا باشند. شرایط مذکور عبارتند از برخورداری از نیروهای مسلح سازمان یافته و دارا بودن یک فرمانده مسئول و نیز کنترل بخشی از قلمرو کشور تا مجموع اینها موجب عملیات نظامی مداوم و مجتمع و نیز اجرای پروتکل حاضر گردد (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۴).

^۱ International Armed Conflict

^۲ Domestic Armed Conflict

کنوانسیون چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو: عهدنامه‌های ژنو که در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ تصویب و در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ لازم‌الاجرا گردیدند، شامل چهار قرارداد است که سه قرارداد آن در واقع تجدیدنظر در قراردادهای قبلی است و چهارمین قرارداد متضمن یک نوآوری در حقوق قراردادی جنگ است. این کنوانسیون‌ها عبارتند از:

(الف) کنوانسیون ژنو برای بهبود وضع مجروحین و بیماران نیروهای مسلح در جنگ زمینی؛

(ب) کنوانسیون ژنو برای بهبود وضع مجروحین و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در جنگ دریایی؛

(ج) کنوانسیون ژنو مربوط به رفتار با اسیران جنگی؛

(د) کنوانسیون ژنو مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در دوران جنگ.

اغلب کشورهای عضو سازمان ملل و از جمله ایران به این کنوانسیون‌ها پیوسته‌اند. شاید هیچ سند حقوق بشری بین‌المللی به اندازه این کنوانسیون‌ها عضو نداشته باشد (به غیر از کنوانسیون حقوق کودک که بیشترین عضو را دارد) (ژان ماری و هنکرتز، ۱۳۹۱: ۲۶).

پرتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷: به دلیل عدم تفکیک مشخص جنگ‌های داخلی از جنگ‌های بین‌المللی در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و شیوع جنگ‌های داخلی توسط گروه‌های آزادیبخش علیه دولت‌های مرکزی و بروز جرایم و فجایع جنگی در این مناقشات، پروتکل‌های دوگانه الحاقی در ۸ ژوئن سال ۱۹۷۷ تصویب و هر دو در ۷ دسامبر ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا شدند. در پروتکل الحاقی اول که شامل یک مقدمه و ۱۰۲ ماده می‌باشد، حقوق و تکالیف بشردوستانه در حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مدنظر بوده است. تا دسامبر ۱۹۹۰، ۹۹ دولت به این پروتکل پیوسته‌اند. دولت ایران در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۷۷ آن را امضاء نمود. ولی هنوز آن را تصویب ننموده است. در پروتکل الحاقی دوم که شامل ۲۸ ماده می‌باشد، حقوق و تکالیف بشردوستانه در حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه داخلی و غیر بین‌المللی مدنظر قرار گرفت. تا پایان سال ۱۹۹۰، تعداد ۸۹ دولت به عضویت این پروتکل درآمده‌اند. ایران پرتکل مذکور را مانند پروتوکل ۱ امضاء نموده است، ولی هنوز تصویب نکرده است (ضیایی بیگدلی (ج)، پیشین: ۳۲).

تجاوز:^۱ در ماده یک قطعنامه ۳۳۱۴ تعریف تجاوز، مصوب سال ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان ملل، تجاوز؛ کاربرد زور علیه تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی هر دولت تعریف شده است و در ماده دوم این قطعنامه، هر دولتی که نخستین بار به زور متوسل شود، در اولین نگاه متجاوز محسوب می‌گردد. (ابراهیمی، پیشین: ۲).

^۱ Aggression

عرف بین‌المللی:^۱ رویه دولت‌ها در مرور زمان که باعث ایجاد حس تعهد قانونی به آن می‌شود (ملکی-زاده، ۱۳۸۹: ۲۳).

قواعد آمره:^۲ قاعده‌ای است که با اجماع جامعه بین‌المللی کشورها بعنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر که تنها توسط یک قاعده بین‌المللی با همان ویژگی، قابل تعدیل می‌باشد (کاسسه، ۱۳۷۰: ۱۵۴).

مسئولیت بین‌المللی اعمال منع شده:^۳ نقص یک تعهد بین‌المللی قابل انتساب توسط تابعان حقوق بین‌الملل را گویند (عبداللهی، پیشین: ۱۲).

مسئولیت بین‌المللی اعمال منع نشده:^۴ اعمالی که از منظر حقوق بین‌الملل تخلف نمی‌باشند و منع نشده‌اند. اما انجام این اعمال، سبب تحمیل خسارت از سوی یک تابع حقوق بین‌الملل به تابعی دیگر می‌شود. لذا صرف ایجاد خسارت، موجب مسئولیت بین‌المللی می‌گردد. (همان، ۱۳).

جبران خسارت:^۵ جبران خسارت بعنوان یک اصل مبنایی در حقوق بین‌الملل می‌باشد که براساس ماده ۳۴ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت‌ها در خصوص عمل تخطی‌آمیز بین‌المللی ۲۰۰۱، پس از احراز مسئولیت بین‌المللی، می‌بایست به شیوه‌های ذیل‌الذکر انجام شود:

۱- اعاده به وضع سابق (Restitution)؛

۲- غرامت (Compensation)؛

۳- جلب رضایت زیان دیده (Satisfaction).

حقوق بشر دوستانه:^۶ شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل که شامل مجموعه‌ای از قواعد و مقررات می‌باشد که با تعیین حقوق حمایت از افراد انسانی، اعم از رزمنده یا غیر رزمنده و اموال غیرنظامی و حقوق طرف‌های متخاصم در مخاصمات مسلحانه، اعم از بین‌المللی یا غیر بین‌المللی، تکالیف افراد انسانی یا طرف‌های متخاصم را مشخص می‌کند (ضیایی بیگدلی (ج)، پیشین: ۲۶).

¹ International Custom

² Jus Cogence

³ International Responsibility

⁴ International Liability

⁵ Reparation

⁶ Humanitarian Law

حقوق کیفری بین‌المللی:^۱ شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل که با جرم‌انگاری جرایم مهم بین‌المللی از جمله جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت، نسل‌کشی و تجاوز، و تعیین مجازات‌های مربوطه، ضامن اجرای اصول و قواعد حقوق بین‌الملل در مناقشات و مخاصمات (اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی) می‌باشد.

حقوق جنگ:^۲ مجموعه‌ای از قواعد و مقررات بین‌المللی ناظر بر جنگ (آغاز جنگ، پایان جنگ، بیطرفی، غنایم جنگی و ...) که با هدف جلوگیری از ارتکاب جرایم جنگی توسط طرفین مخاصمه، با تعریف حقوق و تکالیف آنها در بستر مخاصمه، تهیه و تنظیم شده است (ضیایی بیگدلی (ب)، ۱۳۸۰: ۲۱).

جنگ دریایی:^۳ زمانیکه نیروی دریایی یک کشور در بسترهای آبی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با استفاده از زیردریایی‌ها و کشتی‌های جنگی به اعمال خصمانه دست بزند، جنگ دریایی صورت گرفته است. در حقیقت جنگ دریایی تحمیل اراده سیاسی و نظامی در دریا می‌باشد (دهدشتی اردکانی، ۱۳۹۳: ۲).

مسئولیت بین‌المللی در حقوق مخاصمات

تعیین مسئولیت بین‌المللی ناشی از جنگ و مخاصمات را می‌توان برای اولین بار در معاهده ۱۹۱۹ ورسای مشاهده کرد. معاهده‌ای که متعاقب آن با تشکیل دادگاه لایپزیگ توسط متفقین در آلمان، به جرایم افراد ۷۳ شرکت کننده در جنگ جهانی اول، رسیدگی گردید (البته در نهایت فقط ۹ نفر مورد محاکمه قرار گرفتند). پس از جنگ جهانی دوم نیز با تشکیل دادگاه‌های نورنبرگ (۱۹۴۵) و توکیو (۱۹۴۶)، موضوع مسئولیت بین‌المللی افراد در جنگ جهانی دوم، مدنظر قرار گرفت و مرتکبین جرایم جنگی مورد تعقیب و محاکمه قرار گرفتند (ضیایی بیگدلی (ج)، پیشین: ۳۶۲).

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اولین بار در طرحی که کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۶ با عنوان "مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها"، تدوین کرد، مورد شناسایی قرار گرفت (همان، ۳۴۶). موضوع نقض تعهدات بین‌المللی و متعاقب آن احراز مسئولیت بین‌المللی در حوزه جنگ و مخاصمات (اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی) در ماده ۵۱ کنوانسیون اول، ماده ۵۲ کنوانسیون دوم، ماده ۱۳۱ کنوانسیون سوم، ماده ۱۴۸ کنوانسیون چهارم و ماده یکم پروتکل یکم الحاقی ۱۹۷۷، به شرح ذیل آمده است:

"هیچ یک از کشورهای متعاهد نمی‌تواند، خود یا کشور دیگر متعاهد را از مسئولیت‌هایی که در رابطه با موارد نقض مهم و شدید مذکور در عهدنامه‌ها و پروتکل یکم الحاقی، متوجه خود و کشور متعاهد دیگر می‌باشد،

¹ International Criminal Law

² Jus in bello

³ Sea War

معاف سازد" (همان، ۳۴۷). کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۱۰ طرح مواد راجع به مسئولیت کشورها مورخ ۲۰۰۱، موضوع مسئولیت دولت‌ها و گروه‌های مسلح مخالف در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی و شورش‌های داخلی، را مورد بررسی قرار داده است و آنها را به سبب اعمال ضد حقوق بشردوستانه در مخاصمات غیر بین‌المللی مسئول دانسته است.

۱- مسئولیت بین‌المللی اعمال منع نشده در رویه دادگاه‌های بین‌المللی

دیوان دائمی دادگستری در قضیه کارخانه کورزو در سال ۱۹۲۸ اعلام داشت: "یکی از اصول حقوق بین‌الملل و حتی یکی از مفاهیم کلی حقوق این است که هرگونه نقض تعهد، مستلزم جبران خسارت است ... جبران خسارت، مکمل ضروری در قبال عدم اجرای یک کنوانسیون است و لزومی ندارد که این موضوع در خود کنوانسیون بیان شده باشد". لذا بگونه‌ای می‌توان از این تصمیم، مسئولیت‌آوری اقدامات منع نشده در حقوق بین‌الملل را نیز برداشت کرد (عبدالهی، پیشین: ۴۱).

باتوجه به اینکه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، هرچند بصورت طرح در کمیسیون حقوق بین‌الملل تصویب شده است، اما بعنوان یک الزام بین‌المللی، لازم‌الاتباع نشده است. لذا رویه دادگاه‌ها در پرونده‌های مختلف، می‌تواند نقشی اساسی و تعیین کننده در این حوزه داشته باشد. می‌توان دادگاه‌های لایپزیگ (۱۹۱۹)، نورنبرگ (۱۹۴۵)، توکیو (۱۹۴۸) و حتی یوگسلاوی سابق (۱۹۹۳) و رواندا (۱۹۹۴) را از جمله مراجع کیفری بین‌المللی دانست که مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع نشده را در نظام بین‌الملل، نهادینه نمودند (ضیایی بیگدلی (ب)، پیشین: ۳۴۲). چون جرایمی که در این دادگاه‌ها مورد تعقیب و رسیدگی قرار گرفتند، هیچ مستند قانونی بین‌المللی مشخصی نداشتند (اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و عطف بماسبق نشدن قانون، از جمله ایرادهایی بودند که به این دادگاه‌ها می‌گرفتند).

دیوان دادگستری بین‌المللی نیز می‌بایست در پرونده‌هایی که ورود می‌کند، به نوعی تبیین‌گر الزامات و تعیین کننده شاخص‌های مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع نشده باشد. اگرچه مبنای طرح مسئولیت بین‌المللی در دیوان دادگستری بین‌المللی، جنبه حقوقی دارد و مباحث کیفری کمتر بحث شده است. در پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز این مقوله مطرح گردیده است. لذا رویه دیوان دادگستری بین‌المللی در موضوع مسئولیت بین‌المللی، جنبه حقوقی دارد.

دیوان بین‌المللی کیفری نیز باتوجه به صلاحیتی که برمبنای اساسنامه رم دارد، مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع نشده (با ماهیت کیفری) را در حوزه مخاصمات مسلحانه و جرایمی چون جرایم جنگی، نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت، مدنظر قرار دهد و در تصمیمات کیفری خود، لحاظ نماید. این نوع مسئولیت نیز می‌تواند از سوی NGO های حقوق بشری چون سازمان عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر و شورای

حقوق بشر سازمان ملل متحد، رویه‌سازی بین‌المللی گردد. در موضوع مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع‌نشده نیز با حفظ همین تفکیک ماهوی احراز مسئولیت (حقوقی و کیفری) بین دیوان دادگستری بین‌المللی و دیوان کیفری بین‌المللی، این موضوع را در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل و علی‌الخصوص حوزه مخاصمات مسلحانه و نوع خاص جنگ دریایی آن، بین کلیه تابعان حقوق بین‌الملل، رویه کرد.

۲- موانع پیش‌روی احراز و تعریف مسئولیت بین‌المللی اقدامات منع‌نشده

باتوجه به اینکه در مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع‌شده، صرف نقض تعهدات بین‌المللی ناشی از معاهدات، توافقات و ...، مسئولیت‌آور است، لذا مشکل چندانی در احراز مسئولیت وجود ندارد. اما در مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع‌نشده، می‌بایست خسارتی وارد گردد تا مسئولیتی احراز شود. لذا در تعریف خسارت‌ها، قابلیت انتساب، عوامل مستقیم و غیرمستقیم مسبب، نحوه جبران خسارت، تفکیک مسئولیت دولت‌ها از افراد حقیقی و حقوقی خصوصی و ...، موانع و مشکلاتی وجود دارند. در مسیر احراز و تعریف مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع‌نشده در حقوق مخاصمات، موانع ذیل‌الذکر وجود دارند:

- عدم اقبال دولت‌ها به این مقوله و عدم تفکیک مسئولیت بین‌المللی آنها از افراد خصوصی؛

- عدم شمول تجهیزات، فناوری‌ها و تاکتیک‌های نظامی جدید در کنوانسیون‌های لاهه و ژنو و فراگیر شدن جرایم جنگی؛

- فراگیری پیامدهای ناشی از اقدامات منع‌نشده در محیط زیست و عدم اولویت‌گذاری آن در حقوق بین‌الملل؛
- مبانی نظری ناشی از مسئولیت بین‌المللی که ماهیت خصوصی دارند و در حقوق بین‌الملل کارآمدی ندارند.
لذا برای تعریف و تعیین مسئولیت‌های بین‌المللی ناشی از اقدامات منع‌نشده، می‌بایست مباحث فوق‌الذکر مورد بررسی و شمولیت در حقوق بین‌الملل، قرار گیرد.

۳- جنگ دریایی

جنگ دریایی باتوجه به بستر خاص نبرد، تاکتیک و تجهیزات ویژه خود را دارد. این تاکتیک‌ها و تجهیزات عبارتند از:

مین‌گذاری دریایی: مین‌گذاری دریایی و انجام عملیات مین، یکی از تاکتیک‌های نبرد نامتقارن دریایی می‌باشد. در این تاکتیک با استفاده از مین‌های ثابت و شناور، محدوده‌ای را کانالیزه نموده تا از تردد شناورهای طرف متخاصم جلوگیری شود. در موافقت‌نامه ۱۹۰۷ لاهه به عملیات مین‌گذاری دریایی اشاره شده است (دهدشتی اردکانی، ۱۳۹۶: ۳). منتها در این موافقت‌نامه، استفاده از مین‌های ثابت مجاز بوده و بکارگیری

مین‌های شناور، ممنوع گردیده است. در این موافقت‌نامه برای کشور بکارگیرنده مین‌های دریایی، الزاماتی را مشخص نموده است که عبارتند از:

- منع استفاده از مین‌های شناور؛
- کانالیزه نمودن معبر مین‌گذاری شده؛
- اعلام به کشتی‌های غیرمحراب و هدایت آنان جهت عبور ایمن؛
- عدم مین‌گذاری در آب‌های فراتر از آب‌های سرزمینی؛
- جمع‌آوری و مین‌روبی مین‌های عمل نکرده و مین‌های شناور؛
- جهت مین‌گذاری در آب‌های داخلی، سرزمینی و مجمع‌الجزایری دشمن، ایمنی کشتی‌های غیرمتخاصم که در آن قسمت‌ها تردد می‌نمایند، مورد توجه قرار گیرد (صادقی حقیقی، ۱۳۸۳: ۴۷).

بمباران دریایی: در زمان جنگ، ناوهای جنگی می‌توانند موضعی از دشمن را مورد بمباران دریایی با استفاده از موشک‌ها، اژدرها و توپ‌های دریایی قرار دهند. برابر موافقت‌نامه ۱۹۰۷ لاهه این اجازه داده شده است تا ساختمان‌ها و استحکامات نظامی طرف درگیر مورد بمباران دریایی قرار گیرد. در پروتکل اول ۱۹۷۷ نیز با تجویز بمباران دریایی توسط ناوهای جنگی در زمان جنگ، مواردی را نیز به طرف‌های درگیر اعلام نموده و ۷۶ به عبارتی الزامات حقوقی و ضمانت‌آوری را نیز مطرح نموده است که در موافقت‌نامه ۱۹۰۷ لاهه نیز به آن اشاره شده بود. این الزامات عبارتند از:

- ۱- اخطار و اعلام قبلی؛
- ۲- مصونیت بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، اماکن مذهبی، تاریخی و علمی؛
- ۳- حفظ محیط زیست و عدم استفاده از بمب‌های آلوده کننده و سمی؛
- ۴- عدم استفاده از سلاح‌ها و موشک‌های غیرمتعارف و شیمیایی؛
- ۵- مشخص نمودن مراکز و تاسیسات نظامی موردنظر و عدم توسعه بمباران دریایی به مناطق غیرنظامی (همان، ۱۳۹۶: ۳).

موشک دریایی: موشک‌های دریایی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- ۱- موشک‌هایی که در سطح رادار افقی به پرواز در می‌آیند؛
- ۲- موشک‌هایی که خارج از سطح رادار پرواز و به هدف اصابت می‌کنند. موشک‌های هدایت شونده توسط سیستم رادار می‌توانند هدف مناسب را انتخاب و به آن برخورد کنند درحالی‌که موشک‌های خارج از سطح رادار معمولاً توسط منبع حرارتی هدایت می‌شوند و به صورت خودکار و مستقل عمل می‌کنند (همان، ۴).

در همین راستا برابر بند (۲) ماده (۵۲) پروتکل اول ۱۹۷۷ برخی از هدف‌ها از حمله مصون اعلام شده‌اند؛ از جمله آنها عبارتند از کشتی‌های بیطرف یا متخاصم که در جنگ شرکت ندارند، کشتی‌های ماهیگیری ساحلی، قایق‌های کوچکی که به تجارت مشغول‌اند، کشتی‌هایی دارای ماموریت‌های مذهبی، علمی، بشردوستانه، بیمارستانی، کشتی‌های مسافربری که به حمل مسافران غیرنظامی مشغول‌اند، کشتی‌های که صرفاً برای واکنش در برابر آلودگی محیط زیست دریایی ساخته و بکار گرفته می‌شوند (ضیایی بیگدلی (ب)، پیشین: ۳۲۸). بنابراین در کاربرد موشک‌ها در جنگ دریایی اصل مصونیت هدف‌های غیرنظامی باید مورد توجه قرار گیرد اما با توجه به اتفاقات افتاده از جمله تخطی آنان می‌توان از حمله عراق به نفتکش‌های دولت‌های بیطرف و سکوهای نفتی و نیز عمل تجاوز کارانه دولت آمریکا با توجیه دفاع مشروع به انهدام هواپیما مسافربری ایران ایرباس نام برد (نیکنام، ۱۳۸۴: ۳).

محاصره دریایی: براساس اعلامیه ۱۶ آوریل ۱۸۵۶ پاریس و اعلامیه ۲۶ فوریه ۱۹۰۹ لندن، محاصره دریایی در جنگ‌های دریایی اعلام و بایدهای آن تشریح شد. محاصره دریایی یک عملیات جنگی در دریا می‌باشد که با هدف قطع ارتباط کامل دشمن با بنادر و سواحل، به دو صورت دور و نزدیک توسط یگان‌های شناوری اعم از ناوها و رزم‌ناوها انجام می‌گیرد. شرایط اساسی محاصره دریایی عبارتند از:

۱- وجود حالت جنگی؛

۲- تاثیرگذاری محاصره در روند جنگ دریایی؛

۳- ابلاغ و اعلام محاصره (همان، ۴).

جنگ دریایی یکی از انواع جنگ‌هایی است که می‌تواند پیامدهای گسترده انسانی و دامنه تخریب وسیع زیست محیطی داشته باشد. لذا توجه به این نوع جنگ‌ها که حتی از محتمل‌ترین جنگ‌های آینده خواهد بود، می‌تواند در تعدیل و تحدید دامنه تخریب و پیامدهای احتمالی آن، تاثیرگذار باشد.

۴- مسئولیت بین‌المللی و جنگ دریایی

جنگ در دریا، صرفاً یک جنگ دریایی نخواهد بود. بلکه جنگی مشترک در هوا، زمین، دریا و زیردریا می‌باشد و ابزار جنگی مورد استفاده، گاهاً چندمنظوره می‌باشند. بنابراین همزمان دریا، خشکی، هوایی و زیرسطح دریاها در معرض آسیب قرار خواهند گرفت و دامنه تخریب گسترده‌ای خواهند داشت (صفایی، ۱۳۷۶: ۴۱). عهدنامه‌های چهارم و سیزدهم ۱۹۰۷ لاهه به ترتیب در موضوع مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال نیروهای مسلح و مسئولیت بین‌المللی ناشی از جنگ‌های دریایی اشاره دارند. از سویی دیگر طرح‌های ۱۹۹۶، ۲۰۰۱

و ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل، مبانی مسئولیت بین‌المللی دولت و افراد حقیقی و حقوقی تحت کنترل را مشخص نموده است. لذا براساس این مبانی به تعیین و تعریف مسئولیت در جنگ دریایی می‌پردازیم. مسئولیت بین‌المللی در جنگ دریایی در دو حوزه کیفری و حقوقی قابل احراز می‌باشد. عبارتی دیگر مسئولیت بین‌المللی می‌تواند هم ماهیت کیفری داشته باشد و هم ماهیت حقوقی و یا هر دو را با هم داشته باشد. لذا با دو مقوله جرم و تخلف در نظام بین‌الملل روبرو خواهیم بود. جرم اتباع حقوق بین‌الملل، جنبه کیفریت خواهد داشت. اما تخلفات جنبه حقوقی دارند. لذا در تعیین مسئولیت بین‌المللی لازم است حد و مرز بین **تخلف و جرم** در حقوق بین‌الملل مشخص گردد.

۵- مسئولیت بین‌المللی کیفری

مسئولیت کیفری زمانی محقق می‌گردد که جرم بودن فعل یا ترک فعل به استناد قوانین شفاف بین‌المللی، تعریف شده باشند. لذا در حوزه مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع نشده (مواردی که حقوق بین‌الملل به آن اشاره نکرده است)، در بدو امر این مقوله هویت عینی نخواهد داشت. ضرورت دارد با بازتعریف جرایم جنگی و توسعه دامنه شمول آنها از یکسو و بازبینی معاهدات لاهه و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، بعد کیفری این حوزه را مشخص کرد و به مسئولیت تعیین شده، ماهیت کیفری داد. جرم‌انگاری بین‌المللی در حوزه مخاصمات ناقص می‌باشد. ضروریست جرم‌انگاری جدیدی از اقدامات و تاکتیک‌های اتخاذی طرفین مخاصمه (اعم از مخاصمات بین‌المللی و داخلی) صورت گیرد (موژن، ۱۳۷۷: ۱۴۱).

در حوزه مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع شده، بعد کیفری مسئولیت وجود دارد و دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) بر مبنای اساسنامه رم، مرجع پیگیری و احراز مسئولیت کیفری افراد (اعم از حقیقی و حقوقی) در حوزه مخاصمات مسلحانه و جرایم جنگی، نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت (جرایمی که در مخاصمات مسلحانه معمولاً شکل می‌گیرند)، می‌باشد.

۶- مسئولیت بین‌المللی حقوقی

احراز مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع نشده حقوق مخاصمات، در بعد حقوقی نیز با موانعی جدی روبرو می‌باشد. بعد حقوقی مسئولیت بیشتر در حقوق خصوصی تعریف و شمولیت دارد و مولفه‌های تعیین کننده آن، ماهیتی داخلی دارند. لذا هویت بخشی بین‌المللی به آن، مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد. علیهذا در این حوزه، بیشتر می‌توان مانور بین‌المللی داد. عبارتی دیگر اگر بخواهیم مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع نشده را در حقوق بین‌الملل و خصوصاً حوزه مخاصمات مسلحانه، نهادینه و عرفی کنیم، می‌بایست در بدو امر، مسئولیت بین‌المللی حقوقی را روبه‌سازی نماییم و مدنظر قرار دهیم. زیرا تابعان حقوق بین‌الملل

(اعم از افراد، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) بیشتر با این حوزه ارتباط دارند و کمتر در برابر آن مقاومت می‌کنند (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۴: ۹۴).

تعریف جدید از تعهدات و مسئولیت بین‌المللی

جامعه هدف تعهدات بین‌المللی می‌بایست فراگیر و کل جامعه بین‌المللی (انسانی و محیط زیست) را پوشش دهد. عبارتی دیگر یک تعهد بین‌المللی می‌بایست همه جوانب انسانی و زیست محیطی را مدنظر قرار دهد. در هر حوزه‌ای که یک تعهد بین‌المللی تعریف می‌گردد، می‌بایست عوامل و عناصر انسانی و زیست محیطی آنها مدنظر قرار گیرند.

با تعریف فوق‌الذکر از تعهدات بین‌المللی در حوزه‌های مختلف، تعیین و احراز مسئولیت اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی، تسهیل خواهد شد. در تعریف مسئولیت جدید، می‌بایست بروز خسارت بعنوان محور و مبنا در نظام بین‌الملل قرار گیرد و ماهیت آن (کیفری و حقوقی)، براساس کیفیات مخففه و مشدده عمل و اقدام و دامنه تاثیرگذاری و شمول آن باشد. از سویی دیگر می‌بایست نظام مسئولیت محض (عبدالهی، پیشین: ۲۱)، را در حوزه‌های خاص حقوق بین‌الملل، بعنوان اصلی مبنایی، مدنظر قرار داد. از سویی دیگر می‌بایست، شاخص و تراز نقض جدی تعهدات، هم ماهیت قراردادی داشته باشد و هم موارد عرفی را شامل گردد. اگر ۷۹ عرف، اصول کلی حقوقی، قواعد آمره، انصاف و دکتربین‌های حقوقی، جایگاه واقعی خود را در نظام مسئولیت بین‌المللی پیدا کنند، مسیر احراز و تعریف مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع نشده، هموار خواهد شد. این چارچوب تعریف و تعیین مسئولیت در حقوق مخاصمات و انواع جنگ‌ها، از جمله جنگ دریایی بسیار کارآمد خواهد بود.

تفکیک مسئولیت دولت و اشخاص خصوصی (حقیقی و حقوقی)

یکی از دلایل عدم احراز و تعریف مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع نشده در حقوق مخاصمات، عدم اقبال عمومی دولت‌ها به این مقوله می‌باشد. دولت‌ها از پذیرش مسئولیت‌های بین‌المللی به دلایل مختلف، شانه خالی می‌کنند. در موارد بسیاری نیز شاهد بوده‌ایم که در موضوعات مختلف، مسئولیت را متوجه افراد یا سازمان‌های خصوصی داخلی و بین‌المللی نموده‌اند (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۰: ۲۱). لازم است، ترازوی بین‌المللی جهت تفکیک مسئولیت‌های بین‌المللی دولت‌ها از افراد خصوصی، تعیین گردد. افراد خصوصی (حقیقی و حقوقی)، فراوانی چون سازمان‌های نظامی، گروه‌های مسلح و ... به اسم و تحت کنترل و مدیریت دولت، اقدام می‌نمایند. لذا براساس قاعده ۱۴۹، فصل ۴۲ حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، دولت در قبال

اقدامات آنها، مسئول می‌باشد (ژان ماری و هنکرتز، پیشین: ۷۴۹). اما در حال حاضر، تفکیک مسئولیت دولت‌ها از این ارگان‌ها، با موانع و مشکلاتی روبرو می‌باشد. این موضوع به زبانی دیگر در کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ (ماده ۳) و پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ (ماده ۹۱)، بیان شده است و دولت مسئول مستقیم اقدامات نیروهای مسلح تحت کنترل خود، می‌باشد (ضیایی بیگدلی (ج)، پیشین: ۵۴).

تعریف و تعیین اقدامات تهدید کننده و زیانبار بین‌المللی

اقدامات و فعالیت‌های بین‌المللی خسارت‌آور، در گام نخست تهدید کننده می‌باشند. لذا با تعریف این اقدامات و ترسیم خطوط قرمزهای بین‌المللی از سوی مراجع متولی، می‌توان برای ارتکاب اینگونه اقدامات نیز، مسئولیت بین‌المللی الزام‌آور با درجات خفیف‌تر، تعریف کرد. برای تعریف و تعیین اقدامات بین‌المللی تهدید کننده می‌بایست شاخص‌ها و ترازهایی را تعیین و تعریف کرد. این شاخص‌ها عبارتند از:

- ۱- ماهیت بین‌المللی و فرامرزی داشته باشد؛
- ۲- قابلیت تهدید صلح و ثبات بین‌المللی را داشته باشد؛
- ۳- خسارات و پیامدهای انسانی و زیست محیطی بین‌المللی و داخلی داشته باشد؛
- ۴- سیستماتیک و سازمان یافته باشد؛
- ۵- مستمر و فاحش باشند.

عدم تحدید نظریه نقض جدی در معاهدات و تفسیر عملی و قانونی آن در دیگر منابع

حقوق بین‌الملل

در جرم‌انگاری جرایم جنگی و انتساب مسئولیت بین‌المللی به عوامل و عناصر مسبب، نظریه نقض جدی در قواعد و قوانین مختلف مدنظر بوده است. مثلاً در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی (ماده ۸)، دادگاه یوگسلاوی سابق (ماده ۱)، دادگاه رواندا (ماده ۱)، دادگاه سیرالئون (ماده ۱) و قاعده ۱۵۶ حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی و ... در تعریف جرایم جنگی، نقض جدی مربوط به افعال و اقدامات تعیین شده در حقوق بین‌الملل اعم از عرفی و قراردادی می‌باشد (ضیایی بیگدلی (الف)، ۱۳۷۹: ۳۳۷).

ضرورت دارد، دامنه مسئولیت‌های بین‌المللی را با تفسیر موسع نقض جدی در عرف بین‌المللی، اصول کلی حقوق بین‌الملل، قواعد آمره، اصل انصاف و دکترین‌ها و رویه‌های حقوقی بین‌المللی، توسعه داد. با ارائه چنین تعریف موسعی از نقض جدی تعهدات قراردادی و غیرقراردادی، موضوع مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات

منع نشده در نظام بین‌الملل و رویه بین دولتها در مخاصمات مختلف بین‌المللی و غیر بین‌المللی و حتی در حوزه محیط زیست، نهادینه می‌گردد (ابراهیم گل، ۱۳۸۸: ۳۶).

توسعه صلاحیت جهانی جرم‌انگاری کیفری در نظام بین‌الملل

اصل مبنایی صلاحیت جهانی از اصول بین‌المللی ریشه‌دار می‌باشد که اگر برداشت‌های سلیقه‌ای و سیاسی از آن نمی‌شد، نقش ویژه و ملموسی در توسعه حقوق بین‌الملل و احراز مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع شده و منع نشده بین‌المللی، داشت. اما این اصل در برهه‌ای، تبدیل به اهرم فشار و ابزار دخالت‌های سیاسی و حقوقی قدرت‌های جهانی در دیگر کشورها (علی‌الخصوص کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته) شده بود. لذا با اقبال عمومی روبرو نشد. اصل صلاحیت جهانی در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی (کنوانسیون اول (ماده ۴۹)، کنوانسیون دوم (ماده ۵۰)، کنوانسیون سوم (ماده ۱۲۹)، کنوانسیون چهارم (ماده ۱۴۶)، پروتکل الحاقی اول (ماده ۸۵))، مورد اشاره قرار گرفته است (همان، ۳۴۹).

جمعی نمودن مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع نشده

در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی و انواع آن (جنگ زمینی، جنگ دریایی، جنگ هوایی و نسل‌های جدید جنگ چون سایبری و ...)، در هر صورت یک ضلع مسئولیت دولت می‌باشد. لذا نمی‌توان نظریه‌هایی چون خصوصی‌سازی مسئولیت، دولت‌زدایی مسئولیت که در دیگر حوزه‌ها و از جمله حوزه محیط زیست وجود دارند، وارد حوزه مخاصمات کرد. البته می‌توان به شناسایی مسئولیت بین‌المللی افراد حقیقی و حقوقی خصوصی در کنار مسئولیت دولت، اقدام نمود. در این حوزه، نظریه جمعی کردن مسئولیت مدنظر می‌باشد. بنابراین در حوزه مخاصمات مسلحانه و انواع آن، با مسئولیت جمعی طرف‌های مخاصمه و حتی طرف‌های ثالث روبرو خواهیم بود و لازم است در تعیین و احراز مسئولیت‌های بین‌المللی آنها بر مبنای نظام مسئولیت محض، اقدام نمود.

نتیجه‌گیری

می‌توان پیش‌نویس ۲۰۰۶ را آغازی برای اصلاح و لحاظ موضوع مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات منع نشده در حقوق مخاصمات دانست. لذا می‌بایست با نمودارسازی موضوعاتی چون فرامرزی بودن خسارت و تفسیر موسع از قابلیت انتساب آنها، موضوع مسئولیت بین‌المللی را فراگیر نمود. بازبینی کنوانسیون مصونیت دولتها (۱۹۹۶) و لزوم مطابقت بیشتر آن با مقوله مسئولیت بین‌المللی دولتها و احراز مسئولیت بین‌المللی

ناشی از اقدامات منع نشده در حقوق مخاصمات. شخصیت، مصونیت و مسئولیت سه ضلع ماهوی یک تابع حقوق بین‌الملل می‌باشد. لذا تعریف دقیق و شفاف روابط بین آنها، بسیار لازم و ضروری است. اسناد بین‌المللی در حوزه‌های مختلف می‌بایست بر مبنای این ارتباط ماهوی و شکلی، تعریف و تنظیم گردند. حقوق مخاصمات از جمله حوزه‌هایی است که تعریف دقیق ارتباط بین این سه ضلع، بسیاری از چالش‌های راهبردی موجود در آن را برطرف می‌نماید. عدم شفافیت در این حوزه، باعث فراگیری و فرسایشی شدن مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی و نهایتاً پیامدها و خسارات فرامرزی و دامنه‌دار در حوزه‌های انسانی و زیست محیطی ناشی از آن، شده است.

دولت‌ها می‌بایست قبل از اقدام و انجام فعالیت‌هایی که احتمال تحمیل خسارت‌های فرامرزی دارند، توافقنامه‌هایی چندجانبه و حتی با نظارت و تایید مراجع متولی بین‌المللی منعقد نمایند و مسئولیت خطرات احتمالی را برعهده بگیرند. در واقع با این روش، اصل طلایی پیشگیری در این حوزه نهادینه و اجرایی خواهد شد و در تعیین علل و عوامل مسبب و احراز مسئولیت بین‌المللی، بسیاری از موانع برطرف خواهند شد. از سویی دیگر با انعقاد چنین توافق‌هایی، ابعاد خطرناک اقدامات، تعیین و تحدید خواهد شد و ارتکاب چنین اقداماتی براساس نظام مسئولیت محض، مسئولیت‌آور خواهد بود. چنین موافقتنامه‌هایی، بستر تحقق عرف بین‌المللی مسئولیت‌های ناشی از اقدامات منع نشده را فراهم خواهد کرد (عبدالهی، پیشین: ۴۵). هر فعل یا ترک فعلی که به نوعی ناقض قواعد آمره بین‌المللی در حوزه‌های مختلف و علی‌الخصوص حوزه مخاصمات و نوع خاص آن که جنگ دریایی می‌باشد، شود مسئولیت بین‌المللی به بار خواهد آورد (معصوم زاده و آرش پور، ۱۳۹۶: ۵). مواردیکه در حقوق بین‌الملل مورد اشاره قرار گرفته‌اند، International Responsibility خواهند بود و مواردیکه در حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار نگرفته‌اند، مشمول International Liability خواهند بود.

۸۲

فهرست منابع

- ۱- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۸۸)، **مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل**، تهران: انتشارات شهر دانش.
- ۲- ابراهیمی، شهروز (۱۳۸۲)، «تحدید حاکمیت ملی دولت‌ها با مداخله‌گرایی سازمان ملل بعد از جنگ سرد»، **فصلنامه سیاست خارجی**، س ۱۸، ش ۱.
- ۳- دهدشتی اردکانی، سعید (۱۳۹۶)، «پیامدهای زیست محیطی جنگ دریایی در خلیج فارس از منظر حقوق بین‌الملل»، **کنفرانس مطالعات حقوقی تهران**.
- ۴- ژان ماری لوئیس و هنکرتز، دوسوالدیک (۱۳۹۱)، **حقوق بین‌الملل بشر دوستانه عرفی**، چ ۲، تهران: نشر مجد.
- ۵- شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۰)، **حقوق بشر دوستانه بین‌المللی**، چ ۱، تهران: نشر میزان.

- ۶- صفایی، حسین (۱۳۷۶)، «مداخله در امور کشورهای دیگر از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، **مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل**، ش ۹.
- ۷- صادقی حقیقی، دیدخت (۱۳۸۳)، «هجمه نظامی آمریکا به عراق و اشغال آن از منظر حقوق بین‌الملل»، **مجله ندای صادق**، س ۹، ش ۳۶.
- ۸- ضیایی بیگدلی (الف)، محمدرضا (۱۳۷۹)، **حقوق بین‌المللی عمومی**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۹- ضیایی بیگدلی (ب)، محمدرضا (۱۳۸۰)، **حقوق جنگ**، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۰- ضیایی بیگدلی (ج)، محمدرضا (۱۳۹۶)، **حقوق بین‌الملل بشردوستانه**، چ ۱۴، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۱۱- عبدالمهی، محسن (۱۳۹۳)، «رویکردهای نظام مسئولیت بین‌المللی در جبران خسارت ناشی از اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل»، **مجله تحقیقات حقوقی**، ش ۵۶.
- ۱۲- کاسسه، آنتونی (۱۳۷۰)، **حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد**، مترجم: مرتضی کلانتریان، چ ۱، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
- ۱۲- معصوم‌زاده، نیکبود و آرش پور، علیرضا (۱۳۹۶)، «استثنائات حقوقی در رابطه با عدم شناسایی مسئولیت بین‌المللی دولت در برابر دولت‌ها و اتباع خارجی»، **مجله بین‌المللی پژوهش ملل**، دوره دوم، ش ۲۳.
- ۱۳- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۴)، **حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی**، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- ۱۴- ملکی‌زاده، حسن (۱۳۸۹)، «قابلیت انتساب مسئولیت در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری»، **رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی**.
- ۱۵- موژن، ژاک (۱۳۷۷)، «مداخله بشردوستانه»، مترجم: محمد صوراسرافیل، **مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی**، ش ۳۲.
- ۱۶- نیکنام، احمد (۱۳۸۴)، «بررسی جنگ دریایی از منظر حقوق بین‌الملل»، **مجله حقوقی دادرسی**.